



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

گفتمان های جدید روسی و پایه های نوین قدرت (با تأکید بر اصلاح قانون اساسی روسیه)



فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فرشته مقدم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

3	نکات برجسته:
4	مقدمه
4	اهمیت مطالعه روسیه در سطح ملی و بین المللی
4	جغرافیایی
4	قومی
5	دیرینگی و قدمت تاریخی
5	فرهنگی
5	اقتصادی
5	دفاعی
5	اطلاعاتی
5	اهمیت اصلاحات قانون اساسی روسیه
5	تغییرات قانون اساسی روسیه
6	چرایی برگزاری همه پرسی اصلاحات قانون اساسی در مقطع کنونی
6	دلائل داخلی
6	بحران کرونا:
7	محبوبیت پوتین:
7	ضعف اپوزیسیون:
7	دلائل بین المللی:
7	ابعاد بین المللی بحران کرونا:
7	انتخابات آمریکا:
7	روی کار بودن ترامپ:
7	شکاف ترانس آتلانتیکی (شکاف بین اروپا و آمریکا):
8	پیامدهای برگزاری همه پرسی اصلاحات قانون اساسی روسیه
8	پیامدهای داخلی:
8	افزایش تمرکزگرایی در اداره کشور:
8	تقویت فردگرایی:
8	تقویت ملی گرایی:
9	طولانی کردن بحران جانشینی:
9	به حاشیه رفتن اپوزیسیون:
9	پیامدهای بین المللی
9	ادامه روند تنش با غرب:
9	تداوم سیاست خارجی "تهاجمی":
9	"توجه به قدرتهای شرقی و نوظهور":
10	اصلاحات روسی از لحاظ مفهومی
10	ارائه دو گفتمان قالب در روسیه
10	دموکراسی حاکمیت بنیان
10	دولت قوی

- 10 مسحیت ارتدوکس در برابر مسیحت رایج در غرب
- 11 دیپلماسی کلیسا
- 11 گفتمان "جهان روسی"
- 11 *پرسش و پاسخ*
- 13 *آینده نگری در روابط مسکو – تهران*
- 13 *جمع بندی*



- روسیه بازیگری تأثیرگذار، قابل اعتناء، کنشمند و فرصت ساز^۱ در سطوح ملی و فراملی

- تمایز بین روسیه تزاری (اشغالگر)، اتحاد جماهیر شوروی (حامی حزب توده) و فدراسیون روسیه در سطح ملی

- اهمیت اصلاحات قانون اساسی روسیه در عصر بسط قدرت این کشور

- اصلاح ۹ ماده و 36 موضوع و به عبارتی افزودن حدود 200 متمم به قانون اساسی جدید روسیه

- "بحران کرونا"، "محبوبیت پوتین" و "ضعف اپوزیسیون" از مهم ترین دلایل داخلی همه پرسی در مقطع کنونی

- "ابعاد فراملی بحران کرونا"، "انتخابات آمریکا"، "روی کار بودن پوتین" و "شکاف ترانس آتلانتیکی" از دلایل

خارجی این همه پرسی در این مقطع

- پیامدهای داخلی همه پرسی: "افزایش تمرکزگرایی"، "تقویت فردگرایی و ملی گرایی"، "به حاشیه راندن

اپوزیسیون"

- پیامدهای بین المللی همه پرسی: "ادامه روند تنش با غرب"، "تداوم سیاست خارجی تهاجمی"، "توجه به قدرتهای شرقی و نوظهور"

- دو گفتمان قالب در روسیه امروز: "دموکراسی حاکمیت بنیان" و "جهان روسی"

- ارج نهادن به مذهب و ارزشهای مذهبی و به چالش کشیدن مبانی استدلالی غرب

- همصدایی در عرصه منطقه ای و بین المللی برای حفظ اساس خانه و خانواده

- ترسیم چشم اندازی روشن در روابط ایران با روسیه در یک پروسه ۱۶ ساله

¹ - انواع بازیگران در عرصه بین الملل:

بازیگران کنشگر

بازیگران کنشمند

بازیگران کنش پذیر

مقدمه

رای گیری اصلاح همه پرسى قانون اساسى روسيه كه از روز 25 ماه ژوئن (5 تير) آغاز شده بود، در اول جولای (11 تير) به پایان رسید. در این همه پرسى ۹ ماده و 36^۱ موضوع در قانون اساسى روسيه اصلاح شد. بر اساس نتایج رسمى، 67.97 درصد از 109 میلیون و 190 هزار و 337 واجدين شرایط، 77.92 درصد از مردم روسيه در این همه پرسى به اصلاحات رای مثبت دادند. بر اساس اصلاحیه قانون اساسى روسيه، تصدى پوتین بر مسند قدرت كه در سال 2012 آغاز و قرار بود در سال 2024 به پایان برسد به طور كامل صفر مى شود و پوتین 67 ساله مى تواند با پیروزی در دو انتخابات ریاست جمهوری تا سال 2036 بر مسند قدرت بماند. در کنار این موضوع مهم، موارد دیگری نیز در این اصلاحات وجود دارد كه در افقى دورتر تأثیرات شگرفى را رقم خواهد زد. از جمله اشاره به نام خداوند بعد از ۱۰۳ سال در اسناد بالا دستی بعد از تزارها در سال ۱۹۱۷ به اینطرف. از این رو پژوهش خبری نشستی را با حضور جناب آقای دکتر «مهدى امیرى» کارشناس ارشد حوزه اوراسیا ترتیب داد تا به واکاوى این موضوع بپردازد. در این راستا تلاش شده است ضمن تبیین تغییرات و اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسى روسيه به مهم ترین محورهای آن در سطوح ملی و فراملی پرداخته شود. در عین حال پژوهش حاضر در صدد است به سوالات مطروحه در این زمینه و بویژه آنكه این اصلاحات چه تأثیری بر مجموعه روندهای معطوف به تصمیم گیری و تصمیم سازی روسيه در نظام بین الملل خواهد داشت، پاسخ دهد.^۲

اهمیت مطالعه روسيه در سطح ملی و بین المللی

از آن جهت كه روسيه از همه ویژگی ها به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار، قابل اعتنا، کنشمند و فرصت ساز^۳ در نظام بین الملل برخوردار است، لذا بررسی تحولات این کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است. برخی از ویژگی های روسيه را مى توان اینگونه ترسیم کرد.

جغرافیایی

به دلایل مختلف ژئوپلیتیک (هم مرزی با روسيه) و همچنین ژئواستراتژیک (هم سویی با ملاحظات فرامرزی روسيه در نظام بین الملل)، تحولات روسيه برای ما بسیار مهم است. روسيه بزرگترین کشور دنیا به لحاظ موقعیت جغرافیایی است و با بیش از 17 میلیون کیلومتر مربع وسعت، بزرگترین کشور جهان است كه مساحت آن از اروپا تا آسیا و اقیانوس آرام امتداد مى یابد. به لحاظ شرایط جمعیتی نیز یکی از 10 کشور پر جمعیت دنیاست.

قومی

حدود 60 گروه قومی متفاوت در روسيه زندگی مى کنند و از این جهت یک جامعه منحصر به فرد است.

1 - تغییرات در قانون اساسى روسيه، ۹ ماده قانون اساسى و ۳۶ موضوع را شامل مى شود كه در خبرگزاری ایرنا مورخ 1399/4/13 درج شده است.

2 - یادآور مى شود اطلاعات تکمیلی این پژوهش از دیدگاه های سایر کارشناسان رسانه و برخی منابع معتبر برگرفته شده است.

3 - انواع بازیگران در عرصه بین الملل:

بازیگران کنشگر

بازیگران کنشمند

بازیگران کنش پذیر

دیرینگی و قدمت تاریخی

کشور دیرینه ای است که بشر از دوره پارینه سنگی در مناطقی که متعلق به جغرافیای امروز روسیه است در آن سکونت داشته است.

فرهنگی

ظرفیت های فرهنگی بسیار والایی دارد و از این رو خود را قطب فرهنگی در جهان می داند. در عرصه ادبیات و هنر، نویسندگان شهیر و تاریخ سازی چون تولستوی، چخوف و ... نمادهای فرهنگی این کشور هستند.

اقتصادی

به لحاظ اقتصادی از منابع عظیم انرژی برخوردار است و جزء تولید کنندگان بزرگ نفت در جهان است و 11 درصد از بازار جهانی نفت را در اختیار دارد. روسیه همچنین از ذخایر گاز طبیعی وسیعی برخوردار است و با 23 درصد ذخائر جهانی موقعیت اول را دارد. این کشور به نحوی در حوزه انرژی سرمایه گذاری کرده که امروزه کارشناسان معتقدند که روسیه از یک "ابر قدرت نظامی سابق" تبدیل به "یک ابر قدرت جدید انرژی" در دنیا شده است و لذا نقش روسیه در عرصه قیمت جهانی نفت و گاز (انرژی) بسیار پررنگ است.

دفاعی

روسیه به لحاظ قدرت دفاعی یک قدرت اتمی است و جزء بزرگترین تولید کنندگان سلاح های متعارف و استراتژیک است. این کشور که عضو مهم معاهدات استراتژیک و نظامی است، حتی در دهه 1990 با افول موقعیت منطقه ای و جهانی و وجود آشفتگی های داخلی، همیشه در مذاکرات و معاهدات مهم بین المللی در عرصه دفاعی - نظامی همواره موقعیت برتر خود را در این حوزه حفظ کرده و طرف اصلی مقابله با آمریکا بود. همچنین این کشور در عرصه سیاسی نیز دارای حق و تو است.

اطلاعاتی

یک قدرت بسیار مهم سایبری و اطلاعاتی است. روس شناسان همواره تأکید دارند که، در زمان فروپاشی شوروی، روس ها همه چیز شوروی را به جز ساختار اطلاعاتی آن را از دست دادند. به عبارتی ساختار «کاگب» و قدرت اطلاعاتی آن در روسیه همچنان محفوظ است.¹

* اهمیت اصلاحات قانون اساسی روسیه

روسیه کشوری است که در طول تاریخ به شدت دچار قبض و بسط قدرت بوده است. باید توجه داشت که همه پرسی اصلاح قانون اساسی روسیه در شرایطی به وقوع پیوست که روسیه در عصر بسط قدرت خود است و این قدرت را در فراتر از مرزهایش متجلی می کند. اساساً این همه پرسی، متناسب با این فرآیند به پیش می رود، چون روسیه در حال توسعه قدرت است، نیاز به یکسری الزامات داخلی دارد که از دریچه اصلاح قانون اساسی می گذرد.

* تغییرات قانون اساسی روسیه

در همه پرسی قانون اساسی روسیه ۹ ماده و 36 موضوع و به عبارتی نزدیک به 200 متمم به قانون اساسی جدید روسیه افزوده و به نوعی اصلاح شد که در ذیل به مهم ترین آنها اشاره خواهد شد.

* اولین و مهم ترین آن که بیش از همه باز تاب داشته و بر سیاستهای آتی داخلی و خارجی روسیه تأثیر خواهد داشت این است که ولادیمیر پوتین می تواند تا دو دوره دیگر بر مسند ریاست جمهوری تکیه بزند و پس از دوره ریاست جمهوری نیز وی سناتور دایمی خواهد شد.²

دوره های ریاست جمهوری پوتین:

* از 2000 تا 2008 - دو دوره

¹ - مباحثی بسیاری چون دخالت در انتخابات 2016 آمریکا و یا دخالت در انتخابات برخی کشورهای اروپایی از منظر قدرت سایبری روس ها قابل ارزیابی است. (جواییدن چندی پیش تأکید کرده بود که ترامپ مثل یک عروسک در دست دستگاه های اطلاعاتی روسیه است).

² - با توجه به اصلاحات صورت گرفته جدید پوتین می تواند دو دوره شش ساله دیگر بر مسند ریاست جمهوری بنشیند. مشخصاً در این اصلاحات ذکر شده است که این شرط و شروط ها برای ریاست جمهوری در مورد رئیس جمهور کنونی (ولادیمیر پوتین) اعمال نمی شود و دوره ایشان صفر می شود. لذا وی می تواند تا سال 2036 رئیس جمهور روسیه باقی بماند.

* 2008 تا 2012 - (پوتین در این مقطع یک دوره نخست وزیر بود).^۱

* 2012 الی 2024

دیگر موارد مربوط به رییس جمهور عبارت است از:

- ❖ حداقل باید 25 سال در روسیه زندگی کرده باشد.
- ❖ تابعیت خارجی و دوگانه نداشته باشد.
- ❖ رییس جمهور از داشتن حساب و نگهداری اشیای قیمتی در بانک های خارجی ممنوع است.
- ❖ اختیارات رییس جمهور افزایش می یابد.
- ❖ رییس جمهور پس از استعفا و کناره گیری، مصونیت قضایی پیدا می کند.
- ❖ ساز و کار برکناری رییس جمهور تغییر می کند.
- * ممنوعیت هر گونه اقدام برای تغییر مرزهای روسیه.^۲
- * به جز رئیس جمهور، اعضای دولت، نمایندگان مجلس، قضات، دادستان ها و ... نیز نباید تابعیت خارجی داشته باشند.
- * تصمیمات مربوط به کشورها و معاهدات بین المللی اگر برخلاف قانون اساسی روسیه باشد، بی اثر و قابل اجرا نخواهد بود.^۳
- * برای اولین بار نام «خدا» در قانون اساسی آمده است که انگیزه و اهداف این مسئله بسیار مهم است.
- * دولت از نهاد ازدواج به عنوان وصلت میان زن و مرد حمایت می کند. لذا ازدواج همجنس گرایان ممنوع است.^۴

* چرایی برگزاری همه پرسی اصلاحات قانون اساسی در مقطع کنونی



➤ دلایل داخلی

بحران کرونا:

این بحران یک مشروعیت مضاعفی را در اختیار پوتین قرار داد، چرا که مسکو به نسبت بسیاری از کشورها، منسجم تر به مقابله و مواجهه با بحران کرونا برآمد. بویژه زمانیکه آمار تلفات در بسیاری از کشورهای غربی و آمریکا بالا بود، روسها آمار بسیار پائینی

1 - در این مقطع با اصلاح قانون اساسی، دوره ریاست جمهوری از 4 سال به 6 سال افزایش یافت.

2 - این اصلاح مشخصاً به موضوع کریمه بر می گردد و از آن جهت که محل اصلی تنش روسیه با غرب بویژه آمریکا بحث پس دادن کریمه است، از این رو در اصلاحات جدید کریمه جزء قلمرو ارضی روسیه محسوب می شود و مشخصاً تأکید شده است که هیچ جزئی از روسیه نباید جدا شود. بنابر این اهمیت آن این است که با اروپایی ها اتمام حجت کرده است که کریمه برای همیشه جزئی از روسیه باقی خواهد ماند.

3 - این بند انعکاس نگرانی فزاینده روسیه از تقویت و ترویج رژیم های بین المللی تحت هدایت غرب در دنیاست. مجموع این رژیم ها را می توان در مقوله "جهانی شدن" تعریف کرد ولی چون احساس می کند که این رژیم های بین المللی گسترش پیدا می کنند و در موارد مختلفی منافع روسیه را تهدید می کنند، این اتمام حجت را کرده که این قوانین بین المللی که ناقض قوانین داخلی باشند، از دید روسها، بی اعتبار است.

4 - این موضوع وجه ممیزه روسیه با کشورهای غربی که هم جنس گرایی در حال رایج شدن است، خواهد شد.

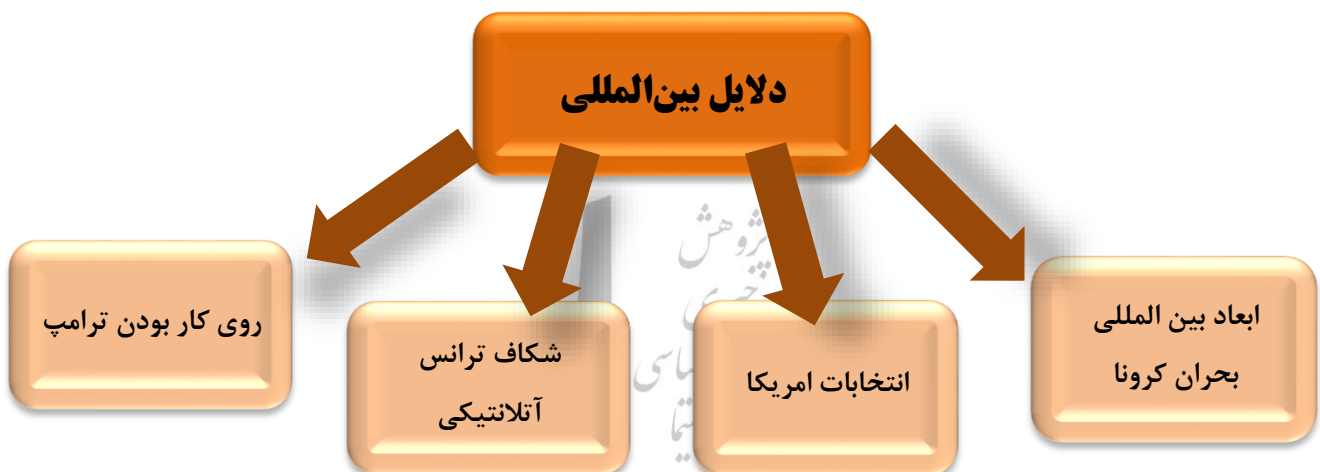
در زمینه قربانیان داشتند و حتی کمک های خارجی هم ارائه می دادند. در واقع بحران کرونا به مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی پوتین افزود.

محبوبیت پوتین:

نظرسنجی ها بیانگر محبوبیت بالای پوتین و بی رقیب بودن وی می باشد.

ضعف اپوزیسیون:

از زمان روی کار آمدن پوتین، اپوزیسیون کاملاً ضعیف شده و کم کار بوده و مخاطبی ندارد، البته هر از چند گاهی تجمعاتی برگزار می کنند اما اپوزیسیون قدرتمندی نیست که توان مقابله با طرح های حزب حاکم از جمله این همه پرسى را داشته باشد. در همین راستا پیش بینی می شود با تثبیت موقعیت حاکم در روسیه، وضعیت جریان های سیاسی مخالف در روسیه بیش از پیش تضعیف شده و این جریان ها به طور کامل به حاشیه رانده شوند



➤ دلایل بین المللی:

ابعاد بین المللی بحران کرونا:

این بحران تمامی کشورها را مشغول مسائل داخلی خود کرده است. چه بسا اگر این همه پرسى در دورانی غیر از کرونا انجام می شد، انتقادات و واکنش های بسیاری را به دنبال داشت.

انتخابات آمریکا:

آمریکا به عنوان بازیگر رقیب روسیه که مخصوصاً در بحث های حقوق بشری همیشه منتقد روسیه است، جدای از بحث کرونا، مشغول انتخابات ریاست جمهوری و سرگرم مسائل انتخاباتی است و خیلی فرصت شاخ به شاخ شدن با روسیه را ندارند.

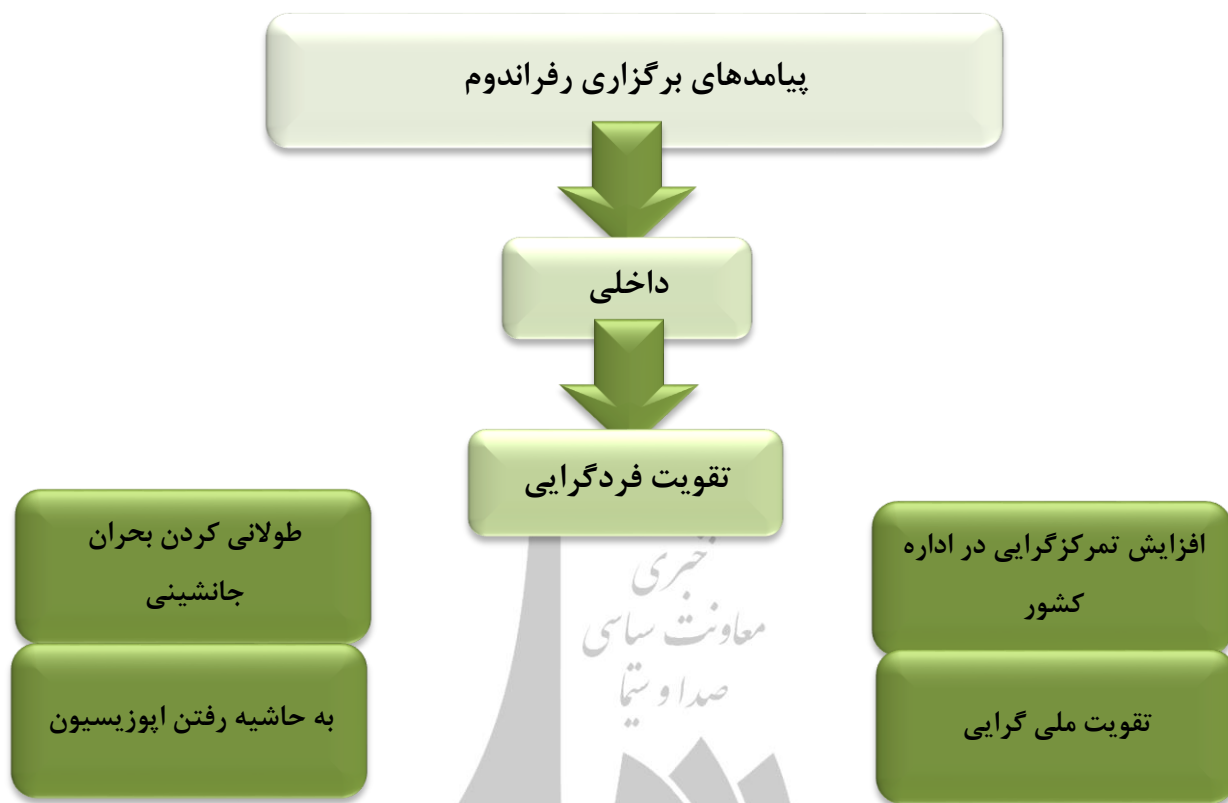
روی کار بودن ترامپ:

ترامپ نه تنها کاری به دموکراسی، حقوق بشر و ... ندارد، چه بسا از زمامداری که اقتدار گرا هستند و قدرت مطلق دارند، تمجید هم می کند. ترامپ به رهبران اقتدارگر و بعضاً دائم العمر، نگرش مثبت تری تا متحدان غربی، دارد. گویی در منظومه فکری وی اینگونه است که روی آنها (متحدان غربی) نمی شود خیلی حساب کرد.

شکاف ترانس آتلانتیکی (شکاف بین اروپا و آمریکا):

هر گاه اروپا و آمریکا متحد بودند، جبهه واحدتری را برای اعمال فشار بر روسیه توانستند تشکیل بدهد و بر عکس هر گاه اختلاف و شکاف داشتند از قدرت آنها برای اعمال فشار بر مسکو کم شده است. دوران ترامپ اوج اختلافات و شکاف های بین اروپا و آمریکا است.

*پیامدهای برگزاری همه پرسی اصلاحات قانون اساسی روسیه



➤ پیامدهای داخلی:

افزایش تمرکزگرایی در اداره کشور:

روسیه سرزمین پهناوری است و حتی زمانی مناطق خود مختار بسیاری داشت. پوتین از زمان روی کار آمدن، قدرت مناطق را کم کرد و به قدرت دولت فدرال در مرکز و مسکو افزود. برخی از بندهای این اصلاح قانون اساسی، قدرت را در مسکو متمرکز می کند بنابراین شیوه، اداره کشور با تمرکز گرایی بیشتر انجام خواهد شد.

تقویت فردگرایی:

روسیه سالهاست که متکی به نوع هدایت و مدیریت پوتین است. حتی طی سالهای 2008 تا 2012 که پوتین نخست وزیر بود، روسیه کشوری فردگرا به نظام بین المللی معرفی شده است و اینکه پوتین می تواند تا سال 2036 در قدرت بماند، در واقع تقویت "رشد فردگرایی" در ساختار حاکمیت روسیه خواهد بود. بسیاری از تحولات داخلی و خارجی روسیه را از منظر برداشت ها و راهبردهای شخص پوتین و نه ساختارهای سیاسی حاکم در روسیه، باید مورد بررسی قرار داد چرا که این ساختارها عمده‌تاً تحت تأثیر شخصیت پوتین هستند.

تقویت ملی گرایی:

برخی از اصلاحات این قانون اساسی از جمله "تابعیت خارجی نداشتن مسئولین" و یا "از دست ندادن جزئی از خاک" و ... رگه هایی از ملی گرایی دارد و در واقع می توان ارزیابی کرد که ملی گرایی در روسیه در حال تقویت شدن است.

طولانی کردن بحران جانشینی:

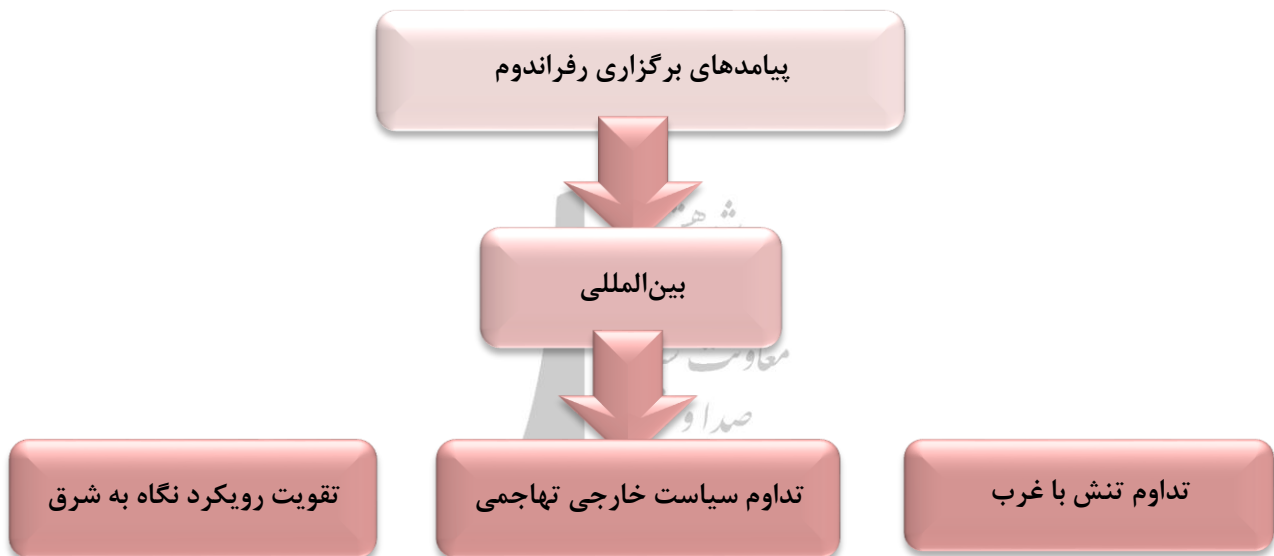
به نظر می رسد روس ها با این فراندوم بحران جانشینی خود را به تعویق انداخته اند. باید توجه داشت که پوتین کشور پر مسئله ای را با انبوه چالش های خارجی، با اقتدار کامل، هدایت کرده است. لذا روسها به نوعی از بحران جانشینی و احتمال به هرج و مرج کشیدن شدن کشور مثل سالهای دهه 1990، جلوگیری کردند.

به حاشیه رفتن اپوزیسیون:

اپوزیسیون کم کار در روسیه، با این اصطلاحات کاملاً به حاشیه خواهد رفت.

➤ پیامدهای بین المللی

بعد از برگزاری فراندوم با توجه به تقویت موقعیت و تداوم زمامداری پوتین و تأکیدی که در این قانون اساسی اعمال شده است، برخی از پیامدهای بین المللی قابل احصاء است.



ادامه روند تنش با غرب:

بی تردید تنش با غرب ادامه پیدا خواهد کرد. این اصلاحات چه بسا میخ آخری بود که بر تابوت سیاست "تعامل" و "مشارکت" غرب مخصوصاً اروپا با روسیه کوبیده شد. تونی بلر در دوران نخست وزیری خود، تأکید کرد که سیاست غرب در برابر روسیه، "ادغام" است تا روسیه به عنوان بخشی از غرب پذیرفته شود. اما روسها بویژه در دوران پوتین نشان دادند که تمایلی به این راهبرد ندارند. لذا تنش ها با غرب با موضوعات مختلف از جمله مسئله اوکراین ادامه پیدا خواهد کرد. چرا که بحران اوکراین مهم ترین مسئله تنش آفرین بین غرب و روسیه از بعد از فروپاشی شوروی است و اخیراً اتحادیه اروپا مجدداً تحریم های خود را به این دلیل به مدت شش ماه علیه روسیه تمدید کرد.

تداوم سیاست خارجی "تهاجمی":

این رویکرد روسیه حفظ شده و ادامه پیدا خواهد کرد. این سیاست خارجی که طراح آن پوتین است باعث شد که روسیه برای اولین بار از مرزهای شوروی سابق فراتر رفته و در کشورهایی مثل سوریه و ونزوئلا نقش آفرینی کند.

"توجه به قدرتهای شرقی و نوظهور":

رویکرد "نگاه به شرق" و "توجه به قدرتهای شرقی و نوظهور" در سالهای آتی در سیاست خارجی روسیه ادامه پیدا خواهد کرد.

اصلاحات روسی از لحاظ مفهومی

بحث ثبات برای شهروندان روسی که اتفاقات و تلاطمات دهه 1990 را دیده اند، اهمیت بسیار زیادی دارد و آنها پوتین را نماد احیاء و اعاده‌ی ثبات در کشور می‌دانند و به همین دلیل از وی حمایت می‌کنند چراکه به واقع پوتین روسیه دهه 1990 را که در آستانه تجزیه شدن مناطقی چون قفقاز شمالی و... بود به خوبی از دل بحران‌ها نجات داد. وی ثباتی را ایجاد کرد¹ که نگرانی از تمامیت ارضی کشور وجود نداشته باشد.

ارائه دو گفتمان قالب در روسیه

دموکراسی حاکمیت بنیان

روس ها چند سالی است که مفهومی را در ادبیات سیاسی خود باب کرده اند به اسم "دموکراسی مستقل" یا "دموکراسی حاکم"² و به عبارتی "دموکراسی حاکمیت بنیان". روس ها در برابر مدل دموکراسی ترویج شده از طرف غرب به عنوان یک ارزش و هنجار سیاسی، مدل جدید گفتمانی را که عبارت است از "دموکراسی حاکمیت بنیان" ترویج می‌کنند. در این راستا روسیه به عناصر ذیل نیازمند است.

-دولت قوی

-مسیحیت ارتدوکس

-دیپلماسی کلیسا

دولت قوی

در این مدل دموکراسی، "دولت قوی"، عنصر اصلی است. طرز تلقی این مدل این است که؛

اولاً جامعه روسی با جوامع غربی متفاوت است. بر این اساس هر چند ممکن است "ائتلاف سازی" و "چند حزب گرایی" در کشورهای غربی منتهی به ثبات شود اما همین مسئله در روسیه منجر به بی ثباتی خواهد شد. همانطور که در دهه 1990 زمامداران حاکم به دنبال مدل دموکراسی غربی بودند که بی ثباتی به همراه داشت.

ثانیاً در مدل دموکراسی روسیه، لزوماً باید یک دولت قوی و مقتدر، در رأس باشد، تا ضامن آن دموکراسی باشد.

از این رو ایده پردازان و طراحان مدل "دموکراسی حاکمیت بنیان" بر این باورند که این دولت قوی را پوتین نمایندگی می‌کند و این دولت مقتدر است که می‌تواند از مردم و رأی آنها حمایت کند. در واقع اصلاحات قانون اساسی را در ادامه گفتمان و ایده "دموکراسی حاکمیت بنیان" باید ارزیابی کرد.

مسیحیت ارتدوکس در برابر مسیحیت رایج در غرب

مباحثی مثل مذهب، خانواده، ممنوعیت ازدواج هم جنس گراها، نهاد خانواده و ... که در اصطلاحات جدید قانون اساسی به آنها اهمیت داده شده است را باید در چارچوب یک هدف اساسی در روسیه مورد بررسی قرار داد و آن اینکه روس ها در قدرت سخت و ظرفیتهای نظامی از لحاظ تعداد نفرات، در رتبه پنجم و از لحاظ تجهیزات نظامی مقام دوم را در عرصه جهانی داشته و موانعی پیش روی آنها در این زمینه نیست. این در حالی است که در قدرت نرم، عرصه را به غربی ها باخته بودند و وقوع انقلابهای رنگی در اوایل دهه 2000 را هم، نتیجه ضعف خود در حوزه قدرت نرم و برتری غربی ها می‌دانستند. از این رو روس ها در زمان کنونی ارتقاء "گفتمان قدرت نرم" خود را شروع کردند و به دنبال این هستند که یک گفتمان متفاوتی از غربی ها در عرصه جهانی ارائه دهند. لذا روسیه آنچه که به قدرت نرم غربی ها ضربه می‌زند را نشان رفته اند. یکی از این مسائل خانواده و بحران فروپاشی خانواده در غرب است و روسها خواهان احیای آنچه که در ارزش های دنیای لیبرال از بین رفته است، هستند. روسیه بر ممنوعیت ازدواج همجنس گراها تأکید دارد. در واقع روس ها با حمایت از خانواده و مخالفت با ازدواج هم جنس گراها که در تضاد با نهاد خانواده است، نه تنها غرب و ارزشهای آن را به چالش می‌کشند، بلکه طرفدارانی نیز در دنیا پیدا خواهند کرد.

1- Governor

1- Sovereign Democracy

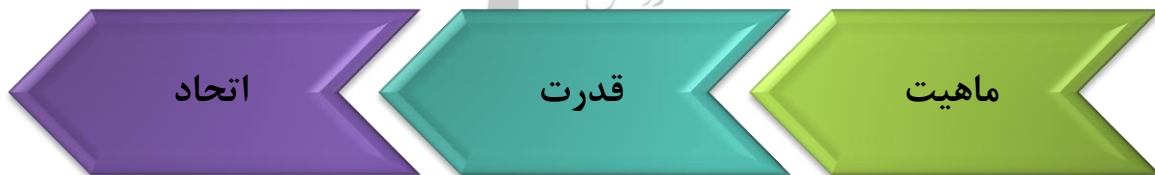
تفاوت مهم روسیه جدید با روسیه شوروی که نماد "الحاد" بود این است که هر چند سیاست سکولار باقی می ماند اما در عرصه اجتماعی مذهب ارزش و اهمیت والایی پیدا می کند.

دیپلماسی کلیسا

چند سالی است که در سالگرد پذیرش مسیحیت در روسیه، جشن های ملی برگزار می شود. در این زمینه مهم ترین مسئله این است که در روسیه نقش کلیسای ارتدوکس پر رنگ شده است و گفتمانی به نام "دیپلماسی کلیسا" به وقوع پیوسته است که بر این اساس اسقف اعظم روسیه به بیش از 21 هزار کلیسای ارتدوکس در دنیا سفر می کند. گفتنی است که اکثر ارتدوکس ها روسیه را شاید نه مهد ارتدوکس، بلکه به عنوان یکی از رهبران این مذهب به رسمیت می شناسند. در واقع مسیحیت ارتدوکس به رکنی از ارکان قدرت نرم روسیه تبدیل شده است. ضمن اینکه یک پایه مهم دیگر سیاست در روسیه در دوران پوتین استفاده از ظرفیت روسهای خارج از کشور و خواهان پیوند آنها به وطن به انحاء مختلف، از جمله بحث مذهب است.

گفتمان "جهان روسی"

سالهاست که اصطلاح "جهان غرب"، برای غربی ها دارای سه بار مفهومی است:



لذا روسها در برابر اصطلاح "جهان غرب"، به ایده پردازی "جهان روسی" پرداخته اند و برای آن در سراسر دنیا دفتر نیز تأسیس کرده اند. آنها بر این باورند که علاوه بر "جهان غرب"، "جهان روسی" هم وجود دارد که این "جهان روسی" و "هویت روسی" توان آن را دارد که روسهای سراسر جهان از جمله روسهای اروپای شرقی را که در مقاطعی به دلیل فروپاشی پراکنده شدند، پیوند دهد. روسها برای این گفتمان کتابها به رشته تحریر درآوردند، بنیادها و انتشاراتی را تأسیس کردند که بسیار نیز فعال است. همچنین در این راستا کنفرانس های متعددی نیز برگزار می شود. "زبان روسی" و "مسیحیت ارتدوکس" دو رکن اساسی، "جهان روسی" محسوب می شوند. همانطور که تبیین گردید روسها در فرآیند بسط قدرت هستند و این دو رکن، مبانی استدلالی و گفتمانی ملزوم این فرآیند بسط قدرت را تشکیل می دهند. بنابراین دو رکن مذکور، اجزائی از جهان روس هستند که روسیه موظف به حمایت آنهاست.

پرسش و پاسخ

پرسش	پاسخ
آیا در اصول سیاست خارجی روسیه هم اصلاحات و تغییراتی رخ داده است که در متن آمده باشد؟	خیر در متن مطلبی نیامده است، اما بی تردید با تداوم زمامداری پوتین، پیش بینی قاطع این است که روندها و رویه های اصلی حاکم برجته گیری های فرامرزی روسیه طی سال های اخیر، به شکل قاطع تری تداوم یابد. بر این اساس باید تاکید کرد روسیه در سال های آینده با قدرت و قوت بیشتری راهبرد احیای موقعیت ابرقدرتی خود در نظام بین الملل را درپیش خواهد گرفت. همچنین با توجه به پیش بینی استمرار تنش های روسیه با غرب به ویژه با آمریکا در سال های آینده به نظر می رسد روسیه سیاست تقویت نگاه به شرق و افزایش همگرایی با چین را در دستور کار قرار دهد. همچنین روسیه بر افزایش همکاری ها میان قدرت های نوظهور در چارچوب گروه «بریکس» تاکید و رویکرد «اوراسیاگرایی» نیز در سیاست خارجی روسیه تقویت خواهد شد. در عین حال بر اساس نتایج همه پرسشی، مسلماً دیگر

<p>کشورها نیز با ترسیم یک وضعیت با ثبات از آینده سیاست خارجی روسیه، روابط با این کشور را در چارچوب بلندمدت تر طراحی می کنند.</p> <p>تداوم حضور پوتین در راس قدرت روسیه کشورهای غربی را نسبت به افزایش روند قدرت یابی مسکو در معادلات بین المللی نگران می کند. شاید به همین دلیل باشد که این کشورها عمدتاً در واکنش به برگزاری همه پرسی قانون اساسی در روسیه موضع منفی و منتقدی اتخاذ کردند. پیش بینی می شود اختلافات روسیه با غرب در حوزه مسائل استراتژیک و ژئوپولیتیکی کماکان ادامه پیدا کند. به ویژه در حوزه مباحث تسلیحاتی اختلافات با آمریکا روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد.^۱</p>	
<p>پیمان شانگهای بخشی از رویکرد "نگاه به شرق" است. البته با این پیمان سیاست اوراسیا گرایی روسیه هم تقویت خواهد شد. البته محوریت توسعه همکاری ها و همگرایی (در حوزه اقتصادی و عرصه سیاسی) با چین است. در یک ماه اخیر این همگرایی سیاسی در دو مورد خاص دیده شد. یکی رأی منفی در شورای حکام بود که چین و روسیه تنها کشورهایی بودند که از ایران حمایت کرده و به آن رأی منفی دادند و دیگری هم پیش نویس قطعنامه کمک به مردم سوریه بود که روسیه و چین به جهت آنکه بشاراسد را نادیده می گرفت، وتو کردند. لذا هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه اقتصادی و البته دفاعی، گسترش رابطه با چین محور سیاست خارجی نگاه به شرق روسیه خواهد بود.</p>	<p>آیا این نگاه به شرق بیشتر در قالب پیمان شانگهای معنا پیدا می کند یا گسترده تر خواهد بود؟</p>
<p>از آن جهت که تمرکز "سیاست خارجی تهاجمی" روسیه بیشتر در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا است، لذا حضور روسیه در منطقه ادامه پیدا خواهد کرد. ظن قوی این است که روسیه علاوه بر ادامه حضور در منطقه، حوزه های نفوذ خود را نیز افزایش خواهد داد. می توان گفت که؛ به دو دلیل اصلی "سیاست خارجی تهاجمی" مسکو بیشتر در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا مصداق پیدا خواهد کرد:</p> <p>1- روسیه در این منطقه برای خود منافع استراتژیک تعریف کرده است.</p> <p>2- روسها به این درک رسیده اند که چه بسا آمریکایی ها به دلیل چرخش به "شرق" در پی کاهش حضور باشند^۲، از این رو روسها به دنبال این خواهند بود که موقعیت و نفوذ خود را در غرب آسیا تقویت کنند.</p> <p>تردیدی نیست که در سالهای آینده، خبرهای بیشتری از حضور روسیه در منطقه شنیده خواهد شد. بویژه اینکه بعضی از کشورهای منطقه هم نسبت به تداوم حمایت آمریکا از منافع و امنیتشان دچار تردید شدند و به سمت روسیه گرایش پیدا کرده اند. لذا روسیه حضور پررنگ تر و جدی تری در خاورمیانه خواهد داشت بویژه اینکه یک دستاورد مهمی چون سوریه را نیز در پرونده خود دارند.</p>	<p>برنامه های روسیه برای غرب آسیا چیست؟</p>
<p>الکساندر دوگین^۳ یکی از تئوریسین های دولت پوتین است که به همراه ولادیسلاو سورکوف^۴ به قدرت اوراسیایی اعتقاد داشته و به اتحاد با کشورهای اسلامی و بویژه</p>	<p>رویکرد "اوراسیاگرایی" بیشتر بر اساس دیدگاه های چه نظریه پردازهای روسی است؟</p>

1 - مگر آن که تغییر خاصی حاصل شود، مثلاً راست گراها در کشورهای غربی به قدرت برسند.

2- منظر روسها بر این باورند که این منطقه مستعد ترک از سوی کشورهای غربی است. مانند دوره ای که انگلستان منطقه را خالی کرد.

3 - «اوراسیاگرایی» یکی از نظریه های مهم در چارچوب سیاست های روسیه به شمار می رود و گفته می شود ولادیمیر پوتین هم تا حد زیادی تحت تاثیر آن است. این نظریه مبتنی بر تعلق روسیه به شرق است و بر سنت گرایی، محافظه کاری و مبارزه با مدرنیته، لیبرالیسم، و به طور کلی غرب تأکید دارد. «الکساندر دوگین» را بزرگترین نظریه پرداز و متفکر اوراسیاگرایی می دانند. وی یکی از شخصیت های تأثیرگذار در فضای سیاسی روسیه است.

4 - ولادیسلاو سورکوف، در زمان نخست وزیر پوتین، قدرتمندترین معاون ولادیمیر وی بود که خیلی ها از او به عنوان دست راست پوتین نام می بردند که البته آن زمان استعفا داد. خیلی ها او را ایده پرداز اصلی دولت پوتین توصیف می کنند.

<p>ایران توصیه می کنند. دوگین نگاه ضد غربگرایی دارد و همواره بر تقویت اوراسیاگرایی در سیاست خارجی و از جمله روابط با ایران و چین تأکید دارد.</p>	
<p>واقعیت این است که سطح تنش و اصطکاک با غرب به حدی بالا رفته است که به صورت اتوماتیک وار روسیه از اینکه با چین همکاری و همگرایی بیشتری داشته باشد، استقبال می کند. مسکو گرفتاری هایی که روسیه از طرف غربی ها از جمله حمایت غرب از اپوزسیون داخل روسیه و منطقه که منجر به بحران اوکراین، انقلابهای رنگین و ... شد، متحمل شده است را از طرف چین احساس نمی کند چرا که چین در کل رویکرد اقتصادی دارد و سیاست خارجی پکن تاکنون به صورتی نبوده است که برای مسکو تهدیدزا باشد. البته هر چند برخی در داخل احتمال خطر آفرین بودن چین را به رسمیت می شناسند، لیکن معتقدند که نه تنها می شود برای آن راهبرد ارائه کرد، بلکه می توان با چین تعامل هم کرد. نگاه ها به چین غالباً تمایل به همسویی و همگرایی است.</p>	<p>در صورت تحقق ابرقدرتی روسیه، آیا این قدرت با ابر قدرت شدن چین تزامنی خواهد داشت؟</p>

* آینده نگری در روابط مسکو - تهران¹

موضوعاتی چون " رویکرد مثبت گروه حاکم در روسیه به توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران "، "نداوم حضور روسیه در مناطقی چون غرب آسیا و همراهی و هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران در این راستا" و "سیاست روسیه در خصوص نزدیکی به دولت های مستقل از غرب"، زمینه را برای تقویت روابط تهران و مسکو بیش از پیش فراهم ساخته است. از این منظر شاید بتوان تصویر پایداری را در روابط مسکو - تهران ترسیم کرد.

با توجه به اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی روسیه و همچنین رویکرد زمامداران فعلی روسیه مبنی بر توسعه روابط با ایران، جمهوری اسلامی ایران که در پی تدارک و پی ریزی روابط استراتژیک با روسیه می باشد، می تواند چشم انداز روشنی را در یک پروسه ۱۶ ساله ترسیم کند. اصلاحات قانون اساسی روسیه در واقع یک تصویر واضحی از سیاستهای ۱۶ سال آینده روسیه ارائه می دهد که بنابر آن می توان روابط با روسیه را پی ریزی کرد. لذا در این مقطع بیش از هر دوره دیگری می توان بر کم چالش شدن روابط تهران - مسکو تأکید کرد. چه بسا یک قرار دادی مثل قرار داد ۲۵ ساله ایران و چین، با روسیه البته نه صرفاً اقتصادی بلکه امنیتی - استراتژیک امضاء شود.

* جمع بندی

جایگاه نهاد کلیسای ارتدوکس در روسیه بیش از هر چیز نتیجه ی ظهور یک تحول اجتماعی در این کشور در سال های اخیر است. در این راستا قابل تایید است که نقش دین در زندگی روس ها طی دهه ی اخیر در حال تقویت شدن است. نهادهای مذهبی در روسیه در حال افزایش است که از آن جمله می توان به تاسیس شورای ادیان در روسیه اشاره کرد. همچنین انتشار کتب دینی در روسیه گسترش پیدا کرده است. تحت تاثیر همین روند مشاهده می شود در قانون اساسی جدید از طریق مخالفت با مسائلی نظیر همجنسگرایی بر ضرورت تقویت خانواده در جامعه ی روسیه نیز تأکید می شود. در مسیحیت ارتدوکس ارزشهای محافظه کارانه از جمله دین، نهاد کلیسا، خانواده اهمیت دارد و در واقع ارزشهای محافظه کارانه در برابر ارزشهای لیبرال مانند هم جنس گرایی قرار می گیرد. گفتنی است این ارزشهای محافظه کارانه زمینه های همگرایی و قرابت بیشتری با ارزشهای اسلامی دارد. انعکاس مفاهیم و ارزشهای مذهبی در اصلاحات قانون اساسی روسیه را شاید بتوان برآیندی از " رویکرد معناگرا" ارزیابی کرد. به واقع روسها با دیدگاهی کلان نگر و با بهره مندی از "اندیشه سیاسی معناگرا" برنامه بسیار بلند مدتی را در جهان آینده ترسیم می کنند که ایران و روسیه می توانند جزئی از جهان چند قطبی آن باشند.

1 - گفتنی است از لحاظ اقتصادی هر چند تجارت ما با روسیه 3 درصد افزایش پیدا کرده اما همچنان زیر 2 میلیارد دلار و رقمی خیلی ناچیز برای دو کشور با این حجم از جمعیت و مساحت است. تا وقتی بخش خصوصی کشور ضعیف باشد نمی توان روابط اقتصادی گسترده با کشورهای جهان داشت. مهم تر آنکه حضور رایزنان اقتصادی ایرانی در کشورهای مهم چون روسیه نیز از ضروریات است.